

کاوشی در ارتباط ساختاری نظریه لاکاتوش و روش‌شناسی اسلامی

محمود دهقانی*

چکیده

روش‌شناسی علوم به دلیل اینکه نیروی محرکه پیشرفت علوم به‌شمار می‌رود، همواره مورد توجه اندیشمندان آن علوم از زمان‌های دور تا به امروز بوده است. در کتاب‌های دانشمندان قدیم، روش‌شناسی هر کتابی به‌عنوان یکی از رئوس ثمانیه^۱ در ابتدای آن کتاب مورد اشاره قرار می‌گرفته است؛ زیرا روش‌شناسی هر علمی در واقع منطق خاص آن علم است و این منطق از شاخه‌های منطق عام است که همه علوم در پیروی در منطق عام مشترک‌اند. اندیشمندان معاصر نیز توجه بسیار جدی به مباحث روش‌شناختی در علوم مختلف، از جمله دانش اقتصاد داشته‌اند. یکی از نظریه‌های روش‌شناختی که نظر بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب کرده، روش برنامه‌پژوهشی است که توسط فیلسوف علم مجارستانی به نام ایمره لاکاتوش مطرح شده است. تحقیق حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به امکان‌سنجی بهره‌گیری از نظریه لاکاتوش در تحقیقات اقتصاد اسلامی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که شباهت‌های ساختاری مهمی، همچون مبنای‌گرایی، برخورداری از هسته مقاوم (ابطال‌ناپذیری گزاره‌های مرکزی) و تکثرگرایی، در روش‌شناسی اقتصاد اسلامی و روش‌شناسی لاکاتوشی وجود دارند؛ به گونه‌ای که شباهت‌های مزبور می‌تواند اقتصاد‌پژوهان اسلامی را در به‌کارگیری از روش لاکاتوشی در تحقیقات و مطالعات اقتصاد اسلامی یاری رساند.

کلیدواژه‌ها

اقتصاد اسلامی، برنامه‌پژوهشی لاکاتوش، تکثرگرایی روش‌شناختی، روش‌شناسی.

semanha41@gmail.com

*. استادیار و عضو هیئت علمی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۲۳، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۱.

مقدمه

روش‌شناسی،^۱ یکی از گام‌های بسیار مهم در فرایند پژوهش‌های معتبر و نظام‌مند بوده و به‌عنوان نیروی محرکه توسعه علوم به‌شمار می‌رود. ازاین‌رو، یکی از مباحث مهمی که در دهه‌های اخیر مورد توجه بسیاری از اندیشمندان در رشته‌های مختلف علوم انسانی، از جمله دانش اقتصاد قرار گرفته، «روش‌شناسی» آن علم است. این نوع شناخت علمی تا دهه هفتاد قرن بیستم، به‌صورت زیرشاخه‌ای از معارف و علوم مربوطه مطرح بود، اما در دهه‌های هشتاد و نود، به‌ویژه در دهه اول هزاره سوم میلادی، به‌صورت رشته‌ای کمابیش مستقل در آمد (دادگر، ۱۳۸۴، ص ۹). اهتمام به روش‌شناسی علم همواره مدنظر دانشمندان رشته‌های مختلف، به‌ویژه فیلسوفان علم بوده است. رشته اقتصاد نیز از این جریان، مستثنا نبوده و همانند سایر رشته‌های علمی، روش‌های مطالعاتی و تحقیقاتی متعددی همچون اثبات‌گرایی،^۲ ابطال‌گرایی،^۳ هرج‌ومرج‌گرایی،^۴ ابزارگرایی،^۵ توصیف‌گرایی،^۶ اقتصادسنجی،^۷ تکثرگرایی^۸ و انقلاب‌های علمی را در طول تاریخ پُرفرازونشیب خود تجربه کرده است.

بحث و چالش در روش‌شناسی علم اقتصاد نه تنها در نظریه‌پردازی اقتصاد که در نظریه‌پردازی همه رشته‌های علمی ضرورت حیاتی دارد تا آنجا که از موانع روش‌شناختی، به‌عنوان یکی از موانع بازدارنده توسعه علوم انسانی یاد شده است (گنجعلی و پارسازاده، ۱۳۹۰، ص ۲۰۰). در حوزه اقتصاد، متهم اصلی در پدید آمدن مصیبت‌های بی‌شماری که زندگی مردم را در گوشه‌وکنار جهان تحت تأثیر قرار داده، اشتباه و محافظه‌کاری‌ها در

1. Methodology
2. Positivism
3. Falsificationism
4. Anarchism
5. Instrumentalism
6. Descriptivism
7. Econometrics
8. Pluralism

روش‌های اثبات‌گرایی، رویکرد دکارتی، نگرش نوکلاسیکی و مانند آن‌ها و همچنین اشتباه‌های نظام‌های برنامه‌ریزی و مداخله‌های ناروا در اقتصاد است. افزون‌براین، کاربرد روش‌شناسی در هر دانش و معرفتی، کمک به شناخت دقیق‌تر موضوع آن علم، افزایش کارایی مطالعات مربوط به آن دانش، ایجاد امکان نوعی مرزبندی بین علوم و یاری رساندن به پژوهشگران در شناسایی نظریه و روش معتبر از غیرمعتبر است. روش‌شناسی، پدیدارشناسی، ارزش‌گذاری و تجویز از مقوله‌های بسیار مهم دانش اقتصاد و اساساً تمام رشته‌های علوم اجتماعی‌اند و با به‌کارگیری آن مشخص می‌شود نظریه‌ها و راهبردهای علم اقتصاد از کجای زندگی واقعی بیرون می‌آیند و چه نقشی در زندگی بازی خواهند کرد (همان، ص ۱۳-۱۴).

چالش‌های اساسی روش‌شناسی اقتصاد ریشه در بینش‌های فلسفی دارد. اقتصاددانان لیبرال کلاسیک، نئولیبرال، کینزی، ساختارگرا، کارکردگرا، کردارگرا و رادیکال، بر سر توضیح واقعیت و چاره‌اندیشی برای حل مشکلات، اختلاف‌نظر دارند. روش‌های نئوکلاسیکی و نئولیبرال که خود را به جریان غالب و رسمی تبدیل کرده‌اند، نه تنها نتوانسته‌اند از فقر و بی‌عدالتی و تبعیض جهانی بکاهند که در انتقال منابع از مکان‌های محروم و زیر سلطه به سرزمین‌های مرکزی، با استفاده از اقتصاد، سیاست و ارتش‌های مسلط، ایفای نقش کرده‌اند.

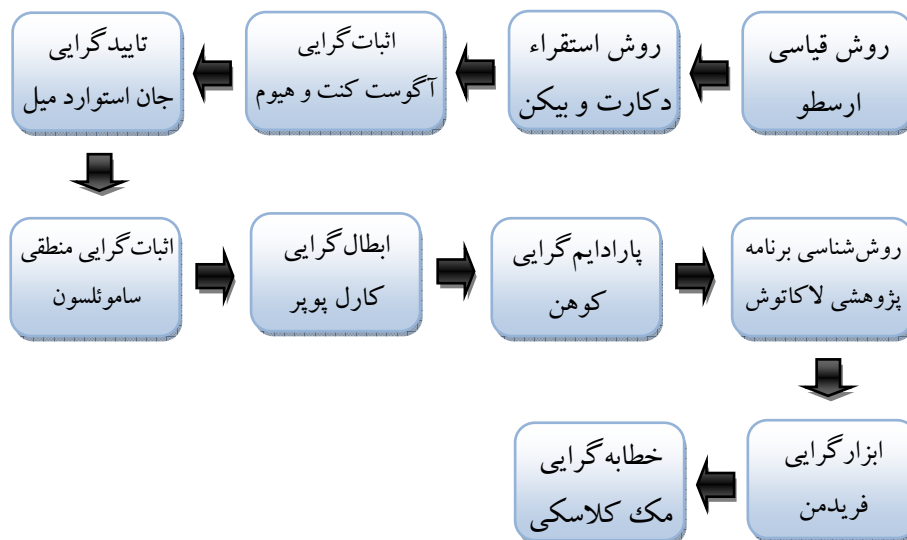
منظور از روش‌شناسی علوم و معارف مختلف، اصول و منطق حاکم بر شیوه‌های مطالعه و بررسی آن رشته است. روش‌شناسی اقتصاد از یک‌سو، رشته‌ای توصیفی از علم اقتصاد است؛ یعنی به توصیف آنچه اقتصاددانان انجام می‌دهند، می‌پردازد و از سوی دیگر، رشته‌ای دستوری و هنجاری است؛ یعنی آنچه را که اقتصاددانان برای پیشرفت علم اقتصاد باید انجام بدهند، مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد. از این منظر، روش‌شناسی به مطالعه استدلال‌های موجود، فراسوی اصولی می‌پردازد که بر مبنای آن گزاره‌های علوم و معارف مختلف رد یا قبول می‌شوند و از لحاظ کلی شعبه‌ای از فلسفه و بخشی از منطق به‌شمار می‌رود (دادگر، ۱۳۸۴، ص ۲۲-۲۳).

مقصود آن است که روش‌شناسی شاخه خاص منطق عام روش‌شناسی در علوم است که هر علم، منطق ویژه خود را داراست. از این رو موضوع روش‌شناسی، ارزیابی قضایای تشکیل‌دهنده رشته خاصی از علم در قالب نظریه‌ها، فرضیه‌ها و مدل‌هاست (غنی‌نژاد، ۱۳۷۶، ص ۲۴)؛ این ارزیابی بر پایه منطق خاص به آن علم است.

مطالعات اقتصاد اسلامی و قلمروهای مختلف آن اعم از مبانی، اصول، قلمروها، احکام، رفتارها و سازوکارهای اقتصاد اسلامی، ریشه‌ای دیرینه در مطالعات و تحقیقات اسلامی دارد و حجم چشمگیری از منابع اسلامی - دست کم در عرصه فقه و تفسیر - به این موضوع اختصاص یافته است؛ چراکه اقتصاد اسلامی به عنوان دانش و حیانی، ارتباط وثیق با علم فقه و تفسیر دارد (توکلی، ۱۳۹۸، ص ۲۹۵). با این حال، بحث از روش مطالعات اقتصاد اسلامی به عنوان منطق خاص به علم اقتصاد، کمتر مورد توجه بوده و بیشتر در مباحث اصولی و گاهی مباحث تفسیری به کلیت روش مطالعات اسلامی پرداخته شده است. به منظور پر کردن این خلأ، به نظر می‌رسد از میان رویکردهای مختلف در روش‌شناسی علم اقتصاد، روش‌شناسی لاکاتوش به خاطر ویژگی‌هایی که دارد قابل استفاده در روش‌شناسی اقتصاد اسلامی باشد و به کمک آن بتوان روش‌شناسی یکپارچه و کل‌نگرانه به تمام ابعاد اقتصاد اسلامی را طراحی کرد. با توجه به استقبال خوب اندیشمندان علوم انسانی از روش‌شناسی لاکاتوش به دلیل کارایی آن از یک سو و نقش برجسته و انکارناپذیر یک روش‌شناسی مناسب در کشف گزاره‌های اقتصاد اسلامی از سوی دیگر، تحقیق حاضر به امکان‌سنجی بهره‌گیری از نظریه لاکاتوش در کشف و استنباط و تولید گزاره‌های مکتبی و علمی اقتصاد اسلامی می‌پردازد و با روش توصیفی - تحلیلی به این پرسش پاسخ می‌دهد که آیا امکان بهره‌گیری از روش‌شناسی علمی برنامه پژوهشی لاکاتوش در روش‌شناسی اقتصاد اسلامی وجود دارد یا خیر؟ فرضیه تحقیق آن است که چنین امکانی وجود دارد. لازمه اثبات فرضیه تحقیق، بیان تفصیلی دیدگاه روش‌شناختی لاکاتوش و تبیین ماهیت گزاره‌های اقتصاد اسلامی از منظر روش‌شناختی است که در ادامه مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

۱. مروری بر نظریه‌های روش‌شناسی معاصر در غرب

سیر تاریخی مکاتب روش‌شناسی علم اقتصاد حکایت از تحولات و دگرگونی‌های عمده دارد که از روش قیاسی ارسطو آغاز گردیده و با روش استقراء رنه دکارت و فرانسیس بیکن، اثبات‌گرایی آگوست کنت و هیوم، تأیید‌گرایی جان استوارت میل، اثبات‌گرایی منطقی ساموئلسون، ابطال‌گرایی کارل پوپر، پارادایم‌گرایی کوهن، روش‌شناسی علمی برنامه پژوهشی لاکاتوش، ابزار‌گرایی فریدمن و خطابه‌گرایی مک کلاسیکی تداوم یافته است (توکلی، ۱۳۹۸، ص ۲۵۰؛ گنجعلی و پارسازاده، ۱۳۹۰، ص ۲۰۸).



شکل ۱. سیر تاریخی مکاتب روش‌شناسی علم اقتصاد

این تحولات به‌خاطر اهمیت بسیار زیادی بوده که مباحث روش‌شناختی در توسعه علوم داشته و باعث شده که نظریه‌های مختلفی در این زمینه توسط اندیشمندان ارائه گردد. در میان دیدگاه‌های مختلف، می‌توان از اثبات‌گرایی منطقی^۱ به‌عنوان یکی از معروف‌ترین و ابتدایی‌ترین نظریه‌های روش‌شناسی معاصر نام برد. اثبات‌گرایی منطقی که با عناوین مختلفی

1. Logical Postivism

همچون اصالت تجربه هم‌ساز،^۱ اصالت تجربه منطقی،^۲ اصالت تجربه علمی^۳ و پوزیتیویسم منطقی نوین^۴ نیز از آن تعبیر می‌گردد، اصطلاحی است که توسط بلومبرگ و هربرت فایگل در سال ۱۹۳۱ به مجموعه‌ای از افکار حلقه وین^۵ اطلاق گردید. حلقه وین گروهی از فیلسوفان تحلیلی را دربرمی‌گرفت که از سال ۱۹۲۳ در جلسه پیشنهادی موریتس شلیک در اتریش گرد هم آمده بودند. اعضای حلقه وین، مکتب خود را متأثر از سنت تجربه‌گرایان در فلسفه اروپایی، گرایش‌های فکری ضد متافیزیک و ضد اندیشه‌های ذهنی صرف (یعنی اندیشه‌های بریده از مشاهده و تجربه) می‌دانستند و بر این باور بودند که تنها بخش غیر تجربی (پیشینی) دانش بشری، اصول منطقی است که از تجربه حاصل نمی‌شود و اندیشیدن را پیشاپیش محدود می‌کند و هر معرفت دیگری که انسان می‌تواند کسب کند باید از راه تجربه به دست آید. انحصار علم در علوم تجربی، برای اولین بار توسط پوزیتیویست‌ها (اثبات‌گرایان)^۶ مطرح گردید.

پوزیتیویست‌ها با تکیه بر اصل تحقیق‌پذیری،^۷ معناداری هر گزاره‌ای را مشروط بر داشتن معنای محصل، سنجش‌پذیر و تجربی می‌دانند و با تعمیم معیار یادشده بر کل گستره دانش بشری، همه گزاره‌های تحلیلی و غیرمحصل را مهمل و بی‌معنا^۸ به‌شمار می‌آورند (عبداللهی و جوان، ۱۳۸۹، ص ۱۱۲). براین اساس، آنان نه تنها تمامی معارف بشری غیر تجربی را از دایره علم خارج ساختند، بلکه آن‌ها را مجموعه‌ای بی‌فایده و فاقد ارزش و معنا نیز معرفی کردند.ⁱⁱ اثبات‌گرایان در مقام تمایز میان گزاره‌های علمی و غیرعلمی، مواردی همچون کلیت، ابتناء بر گزاره‌های مشاهده‌ای همگانی و قابلیت اثبات و ابطال قطعی توسط مشاهدات همگانی را از ویژگی‌های گزاره‌های علمی بیان کردند. جزمیت در روش، انعطاف‌ناپذیری در نگرش، ادعای

1. Consistent Empiricism
2. logical Empiricism
3. Scientific Empiricism
4. Logical neo positivism
5. Vienna circle
6. Positivism.
7. Realism/positivism
8. Tautology or nonsense

جهان‌شمولی قواعد، ناسازگاری با واقعیات خارجی در خلق مفاهیمی که مبنای تجربی ندارند (نظیر اتم) و تنگ کردن دایره علم، محدودیت‌های جدی روش‌شناسی اثبات‌گرایی منطقی به‌شمار می‌روند (ملکیان، ۱۳۹۷، ص ۸۰).

ایرادهایی که فیلسوفان علم بر نظریه اثبات‌گرایی قطعی وارد ساختند، باعث شد که دیدگاه کمابیش تعدیل‌شده‌ای موسوم به اثبات‌گرایی احتمالی (تأیید‌گرایی) ایجاد گردد که صرف‌مورد تأیید قرار گرفتن گزاره‌های علمی را توسط گزاره‌های مشاهده‌ای همگانی، کافی می‌دانست. پس از آنکه تأیید‌گرایی نیز در معرض اشکال‌های اساسی قرار گرفت، پوپر نظریه ابطال‌گرایی^۱ را مطرح کرد. بر اساس ابطال‌گرایی، علمی بودن یک گزاره منوط به اثبات یا تأیید آن بر مبنای شواهد تجربی نیست، بلکه همین اندازه که گزاره‌ای از قابلیت ابطال توسط شواهد تجربی برخوردار باشد، گزاره‌ای علمی قلمداد می‌گردد. تکیه اثبات‌گرایان بر اهمیت داده‌های تجربی، مشکل قالب‌های تئوریک^۲ را به‌وجود آورد و این پرسش مطرح شد که مفاهیمی همچون اتم، پروتون، نیرو و میدان مغناطیسی که هیچ‌کدام داده‌های تجربی بی‌واسطه و آزمون‌پذیر نیستند از کدام جایگاه و منزلت علمی برخوردارند؟

پوپر از همان آغاز در کتاب *منطق اکتشاف علمی*، معیار تأیید‌پذیری تجربی و نفی علمی قوانین کلی توسط اثبات‌گرایان متقدم را به‌شدت به باد انتقاد می‌گیرد و می‌گوید: اینها در دغدغه خود برای کنار نهادن متافیزیک تا آنجا پیش می‌روند که با آن، علوم تجربی را نیز از میان برمی‌دارند. پوپر به‌صراحت منکر منطق استقرایی در علوم تجربی است و استنتاج نظریه‌ها را از گزاره‌های شخصی و مشاهدات تجربی، منطقاً ناممکن می‌داند. به باور پوپر، نظریه‌ها هیچ‌گاه اثبات تجربی نمی‌شود. از این رو به‌جای اثبات‌پذیری، «ابطال‌پذیری» را معیار تمایز میان علم و غیرعلم می‌داند. کارل پوپر مراحل را برای علمیت و معقولیت یک نظریه در نظر گرفته است و آن مراحل بدین صورت هستند که ابتدا یک نظریه موقت به‌منظور ابطال (و نه اثبات)

1. Refutation

2. Theoretical terms

مطرح می‌شود؛ سپس نظریه مزبور به شدت در معرض آزمون‌های سخت قرار می‌گیرد. حال اگر این نظریه در نتیجه آزمون‌های سخت، ابطال گردد، کنار گذاشته می‌شود و جای خود را به نظریه موقت دیگری می‌دهد تا همین مراحل درباره آن نیز تکرار شود. بنابراین، آموزه اساسی نهفته در روش ابطال‌گرایی این است که با سیر مراحل پیش‌گفته می‌توان از اشتباهات درس گرفت و با دریافت نادرست بودن نظریه‌ای موقت به حقیقت نزدیک‌تر شد (همان).

هرچند دیدگاه ابطال‌گرایی پوپر مشکلات مربوط به نظریه اثبات‌گرایی را نداشت، خود نیز خالی از اشکال نبود. یکی از اشکال‌های مهم ابطال‌گرایی این است که تجربه به‌تنهایی توان ابطال را ندارد. مشکل دیگر نظریه پوپر این است که گزینه علمی را بی‌ارتباط با واقعیت می‌داند؛ زیرا قوام علمی بودن یک گزینه را، ابطال‌پذیری آن - و نه توان و صلاحیت تبیین واقعیت و عینیت - می‌داند (همان). جریان بحث درباره معیار علمی بودن گزاره‌ها همچنان پیش رفت تا اینکه کوهن و لاکاتوش به‌جای ارائه معیارهای علمی تک‌گزاره‌ها، نظریه‌های علمی را به‌مثابه نوعی کل‌های ساختاری و مجموعه گزاره‌ها در نظر گرفتند و در این راستا برنامه پژوهشی^۱ لاکاتوش و انقلاب‌های علمی^۲ کوهن مطرح شدند.

هدف کوهن در کتاب *ساختار انقلاب‌های علمی*، اثبات این قضیه است که علوم، نه از راه تراکم و انباشت، بلکه از راه انقلاب پیشرفت می‌کنند و چون به نظر کوهن، نظریه زمانی رخ می‌دهد که جابه‌جایی پارادایم‌ها رخ می‌دهد، پس اولین فرض این است که به وجود پارادایم در حوزه علوم قائل باشیم. به باور کوهن، هر علمی دارای یک یا چند پارادایم است و از این رو، علم بدون آن امکان‌پذیر نیست. اطلاق علم به مجموعه اطلاعات که بر اساس پارادایم خاصی به وجود نیامده باشد بی‌معناست. بنابراین، او تلاش کرد نظریه‌ای از علم ارائه دهد که با واقعیت‌های تاریخی سازگار باشد و درعین حال، نظریه کوهن از ملاحظات سیاسی - جامعه‌شناختی نیز برخوردار است. پارادایم سابق، علوم معمولی، اصول غیرمعارف، بحران، انقلاب علمی و پارادایم جدید،

-
1. Scientific research programs
 2. Scientific Revolutions

به ترتیب مراحل مدل انقلاب علمی کوهن را تشکیل می‌دهند. بر اساس رابطه فوق، میان پارادایم اول و پارادایم جدید، چهار مرحله هنجاری ناهنجاری، بحرانی و انقلابی وجود دارد. از این مراحل روشن می‌گردد که کوهن به نقش تراکم تحقیقات و دانش بر اساس پارادایم اول در مرحله معمولی و عادی توجه داشته و در مراحل دیگر به نقش عوامل دیگر توجه کرده است.

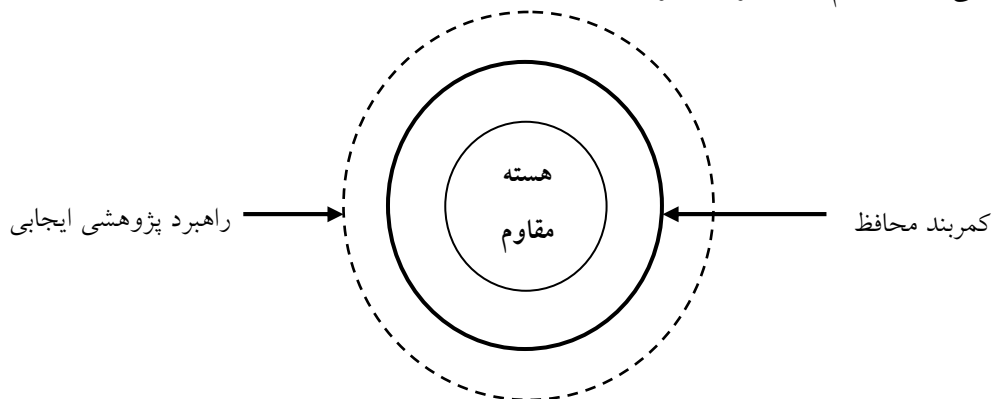
نظریه انقلاب علمی کوهن نیز همچون نظریه‌های روش‌شناسی سابق، خالی از مناقشه نیست و اندیشمندان، انتقاداتی را متوجه این نظریه کرده‌اند که در این میان می‌توان به مبالغه کوهن در مورد خصلت دل‌خواهانه جابه‌جایی پارادایم‌ها، غفلت کوهن از محفوظ ماندن بسیاری از ویژگی‌های سنت سابق در انقلاب‌های علمی، توجیه‌ناپذیری انقلاب‌های علمی با «پدیده انقلاب علمی نقطه‌ای»، امکان مقایسه و آزمون پارادایم‌های مختلف و... اشاره کرد (Kuhn, 1969, p508).

نظریه روش‌شناختی دیگری که در جهان غرب، بیشتر مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته و نسبت به سایر نظریه‌ها دیدگاهی جدیدتر به‌شمار می‌رود، نظریه علمی برنامه پژوهشی است که توسط برجسته‌ترین فیلسوف ریاضی و پرنفوذترین فیلسوف علم مجارستانی -ایمره لاکاتوش^۱- مطرح شده است. با توجه به اینکه تحقیق حاضر، امکان‌سنجی به‌کارگیری نظریه لاکاتوش را در روش‌شناسی اقتصاد اسلامی بررسی می‌کند، لازم است نظریه روش‌شناختی برنامه پژوهشی لاکاتوش در عنوان مستقل و به‌صورت تفصیلی مورد بررسی قرار گیرد.

۲. تبیین نظریه روش‌شناختی برنامه‌های پژوهشی لاکاتوش

روش‌شناسی علمی برنامه پژوهشی (MSRP)، مهم‌ترین و عمده‌ترین روش‌شناسی است که توسط ایمره لاکاتوش در مقابل روش‌شناسی ابطال‌گرایی و ته‌اجمی پوپر اظهار وجود کرده است. لاکاتوش برای به‌وجود آوردن نوعی مصالحه میان روش‌شناسی‌های مختلف و تعدیل ابطال‌گرایی پوپر، روش‌شناسی ابتکاری خود را به کمک و چه‌بسا در تکمیل پارادایم‌گرایی کوهن ارائه کرد.

روش‌شناسی لاکاتوش از اصول پژوهشی سلبی^۱ و راهبرد پژوهشی ایجابی^۲ تشکیل شده است (گلاس و جانسون، ۱۳۷۳، ص ۱۹۳). همچنین، روش‌شناسی لاکاتوش دو نوع مفروضات دارد که یکی «هسته مقاوم»^۳ و دیگری «کمربند محافظ»^۴ نامیده شده است.



اصول پژوهشی سلبی حاکی از آن است که هسته مقاوم به‌عنوان فرضیات پایه و اساسی نباید در معرض ابطال قرار گیرد و در نتیجه، دست‌نخورده و بدون تغییر باقی بماند. اصول پژوهشی ایجابی شامل مجموعه‌ای از «فرضیه‌های کمکی» است که پژوهشگران را راهنمایی می‌کند تا چه روش‌هایی را دنبال کنند که ضمن حفاظت از هسته مقاوم، امکان توسعه و پیشرفت علم را نیز فراهم کنند (چالمرز، ۱۳۷۹، ص ۹۸-۹۹).

راهبرد ایجابی برای تولید نظریه‌ها به برنامه‌ای می‌انجامد که در آن هر نظریه ویژه، نه تنها حول هسته مقاوم ساخته می‌شود که هسته مقاوم را تضمین نیز می‌کند. از این رو، هنگامی که فرضیات هسته مقاوم با عدم تأیید یا تکذیب تجربی روبه‌رو می‌شوند، این فرضیات، اصلاح یا تعویض نمی‌گردند؛ به این معنا که با یک فرض اولیه روش‌شناختی، آن فرضیات ابطال‌ناپذیر معرفی می‌شوند. فرضیه‌های کمربند محافظ نیز از هسته مقاوم محافظت می‌کنند و در هنگام ابطال برنامه پژوهشی،

1. Negative Heuristic
2. Positive Heuristic
3. Hard Core
4. Protective belt

فرضیات کمر بند محافظ در جهت حفاظت از فرضیات هسته مقاوم اصلاح و ابطال می گردند. برای توضیح و تطبیق برنامه پژوهشی لاکاتوش از مثال معروف مربوط به مفروضات اقتصاد خرد متعارف استفاده کرده‌اند. در این مثال، از «فرد گرایی»، «عقلانیت»، «حقوق مالکیت» و «اقتصاد بازار» به عنوان فرضیات هسته مقاوم در اقتصاد خرد متعارف یاد شده که تمامی فرضیات دیگر اقتصاد خرد اعم از نظریات مربوط به مطلوبیت، مصرف کننده، تولید کننده، بنگاه‌ها و... حول این چهار فرضیه پایه‌ای به عنوان کمر بند محافظ قرار دارند. اگر بخواهیم با اصطلاح منطقی سخن بگوییم، کمر بند محافظ همان اصول موضوعه‌های در علم منطقی است. در جدول ۱، هسته مقاوم، کمر بند محافظ و راهبردهای ایجابی برنامه پژوهشی لاکاتوش با استفاده از مثال معروف اقتصاد خرد بیان شده است.

جدول ۱. مثالی از اقتصاد خرد برای برنامه پژوهشی لاکاتوش

راهبردهای ایجابی	کمر بند محافظ	هسته مقاوم
- ساختار بازار به نحوی تعیین شود که هیچ کدام از کار گزاران اقتصادی، تعیین کننده قیمت نباشند. - محیط بازار به گونه‌ای طراحی شود که کار گزاران اطلاعات کامل داشته باشند. - اهداف کنشگران اقتصادی، حداکثر سازی مطلوبیت و سود تعیین شود. - ثابت بودن درآمد، معین بودن قیمت کالاها و خدمات، ثابت بودن فناوری و ثابت بودن هزینه تأمین مواد اولیه و ثابت بودن سایر شرایط به عنوان محدودیت‌های کنشگران تعیین شود.	- بازار رقابت کامل - شفافیت و اطلاعات کامل - حداکثر سازی مطلوبیت - از سوی مصرف کننده - حداکثر سازی سود از سوی تولید کننده	- فرد گرایی - عقلانیت - حقوق مالکیت - اقتصاد بازار

بنابراین، هسته مقاوم که ابطال‌ناپذیر شمرده می‌شود، شامل بایدها و نبایدهایی است که در یک حیطه یا در ذهن فردی افراد وجود دارد. به بیان مارک بلاگ: «هسته مقاوم شامل باورهایی است که به‌لحاظ تجربی ابطال‌ناپذیرند و در نتیجه همان چیزی است که عده‌ای آن را متافیزیک می‌نامند». از نظر بلاگ، لاکاتوش همچون پوپر معتقد است که اکتشافات علمی بدون داشتن تعهدات متافیزیکی ناممکن است و متافیزیک علم در هسته مقاوم به‌عمد، دور از دسترس قرار می‌گیرد (بلاگ، ۱۳۸۰، ص ۱۵۶).

یکی از نکات بسیار مهم در نظریه روش‌شناختی لاکاتوش، تقسیم روش‌شناسی علمی به دو مرحله روش‌شناسی درون برنامه پژوهشی و روش‌شناسی بین برنامه پژوهشی است. روش‌شناسی درون برنامه پژوهشی مربوط به فعالیت‌هایی است که در یک برنامه پژوهشی انجام می‌شود و طبق آن هر گونه تغییر و اصلاح کمر بند محافظ برنامه پژوهشی باید مستقلاً آزمون‌پذیر باشد. دانشمندان، کمر بند حفاظتی را به هر نحوی که مایل باشند توسعه می‌بخشند؛ مشروط بر آنکه اقدامات آن‌ها امکان آزمون‌های تازه و در نتیجه امکان اکتشاف جدید را فراهم سازد (توکلی، ۱۳۹۸، ص ۲۵۸).

روش‌شناسی بین برنامه پژوهشی به مقایسه برنامه‌های پژوهشی رقیب می‌پردازد. لاکاتوش معتقد به کثرت‌گرایی در برنامه پژوهشی است؛ به گونه‌ای که تاریخ علم را همان تاریخ برنامه‌های پژوهشی رقیب می‌داند. از میان برنامه‌های رقیب، پژوهشگران و دانشمندان به برنامه‌های پیش‌برنده گرایش دارند و این منطقی عقلانی انقلاب‌های علمی است. به سخن دیگر، از نظر لاکاتوش آن چیزی که اتفاق می‌افتد، جایگزین شدن برنامه‌های پیش‌برنده به‌جای برنامه‌های قهقرایی است (همان).

مراحل روش‌شناسی علمی لاکاتوش

بین برنامه پژوهشی

درون برنامه پژوهشی

مقایسه با برنامه‌های پژوهشی رقیب

فعالیت‌های مربوط به یک برنامه پژوهشی

جایگزینی برنامه‌های پیش‌برنده
به‌جای برنامه‌های قهقرایی

لزوم آزمون‌پذیری مستقل هر گونه
تغییر یا اصلاح کمر بند محافظ

۳. تکثرگرایی روش‌شناختی به‌عنوان روش‌شناسی مطلوب در اقتصاد اسلامی

پردازش به روش‌شناسی تولید گزاره‌های اقتصاد اسلامی از اهمیت بسیار خاصی برخوردار است؛ زیرا علمی بودن گزاره‌های آن از یک‌سو و اسلامی بودن آن‌ها از سوی دیگر، فضای جدید و متفاوتی را پیش روی پژوهشگران اقتصاد اسلامی گشوده است. برخورداری معرفت اقتصاد اسلامی از دو هویت مکتبی و علمی و برجسته بودن هویت مکتبی اقتصاد اسلامی در مقایسه با سایر نظام‌های اقتصادی باعث می‌شود که در میان شیوه‌های پژوهشی مختلف، تکثرگرایی روش‌شناختی^۱ مناسب‌ترین شیوه‌ای باشد که از کارایی لازم و کافی در زمینه تولید گزاره‌های اقتصاد اسلامی برخوردار گردد.ⁱⁱⁱ

تکثرگرایی روش‌شناختی با وجود اینکه در طول تاریخ پژوهش، مورد استفاده بسیاری از اندیشمندان، به‌ویژه محققان مسلمان قرار گرفته است (قراملکی، ۱۳۹۱، ص ۴۰۰؛ همو، ۱۳۸۳، ص ۱۰۳-۱۱۸)، اما شکل‌گیری مدون و ابزارمند آن به سال‌های اخیر بازمی‌گردد. پروفیسور کالدول^۲ در فصل سیزدهم کتاب *آن سوی اثبات‌گرایی* (Caldwell, 1994)، تکثرگرایی روش‌شناختی را به‌عنوان بهترین روش مطالعاتی در علم اقتصاد معرفی کرده است. اندیشمندان دیگری همچون دانیل لیتل^۳، هاوارد سنکی^۴، داو^۵، شمیم احمد صدیقی و چپرانیز بر لزوم به‌کارگیری شیوه تکثرگرایی در مطالعات علمی دانش اقتصاد تأکید کرده‌اند (صدیقی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۹-۱۵۸).

تکثرگرایی روش‌شناختی در برابر حصرگرایی^۶ یا یگانه‌گرایی روش‌شناختی^v قرار دارد. حصرگرایی روش‌شناختی که به دو شکل درونی^{iv} و بیرونی^v تحقق می‌یابد، بدین معناست که پژوهشگر برای مطالعه و تحقیق درباره مسئله واحدی، تنها بر یک روش خاص و یگانه تأکید و تکیه کرده و بهره‌گیری از هر شیوه دیگری را بی‌فایده می‌داند. در مقابل، تکثرگرایی

1. Methodological Pluralism
2. Bruce J Caldwell
3. Daniel Little
4. Howard Sankey
5. Dow
6. Methodological Exclusivism
7. Methodological Monism

روش شناختی، انواع شیوه‌های پژوهشی ممکن را در مقام تحقیق و مطالعه یک موضوع واحد به صورت آرایش افقی به کار می‌گیرد، به تمامی دیدگاه‌های موجود به دیده احترام می‌نگرد و از افتادن در دام تعصب و جزمیت باطل و بدون دلیل منطقی و علمی، اجتناب می‌ورزد. روشن است که بر اثر چنین اقدامی، دیدگاهی جامع‌نگر، منسجم و واقعی‌تر حاصل می‌گردد (قراملکی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۳-۱۱۸). از این رو گفته می‌شود که روش‌شناسی کثرت‌گرایی ریشه در واقع‌گرایی دارد (شیلا، ۱۳۸۹، ص ۲۶۰)؛ زیرا پژوهشگر کثرت‌گرا، خودش را فرزند دلیل می‌داند و در نتیجه، تمامی روش‌های محتمل را با استناد به دلایل واقعی و بدون هرگونه تعصب و تنگ‌نظری بررسی می‌کند و در نهایت، به روش‌های واقعی و عقلانی برای حل مسئله خویش دست می‌یابد. کالدول می‌گوید: «کثرت‌گرایی روش‌شناختی تلاشی از جانب یک اسلوب شناس اقتصاد است تا اینکه به کمک و همراه آن، به برخی از هنجارهای رفتاری مبتنی بر عقل سلیم در زمینه اقتصاد دست یابد» (کالدول، ۱۹۹۴، ص ۲۵۲).

حصر‌گرایی روش‌شناختی پرآسیب‌ترین عارضه پژوهش و رشد علوم است که در عصر مدرنیته به بهانه تخصصی شدن دانش‌ها شتاب زیادی داشته و رفته‌رفته از بین گستره‌ها و مرزهای علوم به درون آن‌ها و مکاتب یک علم نفوذ کرده است. اتخاذ یک روش و فرونهادن روش‌های دیگر در بررسی مسائل، تنها بُعد خاصی از ابعاد مختلف یک پدیده را نشان می‌دهد و در نتیجه، پژوهشگر را از توجه به مباحث سایر علوم درباره همان موضوع، محروم می‌سازد؛ در حالی که براساس تکثر‌گرایی روش‌شناختی می‌توان نقاط ضعف و قوت روش‌های مختلف را شناسایی کرد و سپس با اجتناب از نقاط ضعف و به کارگیری نقاط قوت، شعاع کشف و شهود علمی را گسترده‌تر ساخت. بنابراین، نتایج ارزشمند علمی و عملی تکثر‌گرایی روش‌شناختی در رشد و بالندگی علوم مختلف، به‌ویژه در علوم چندتباری^۱ و مطالعات میان‌رشته‌ای^۲، به‌هیچ‌وجه قابل کتمان نیست.

1. Multi Pleorigens
2. Interdisciplinary studies



ماهیت گزاره‌های اقتصاد اسلامی ایجاب می‌کند که از شیوه تکثرگرایی در مطالعات و تحقیقات اقتصاد اسلامی استفاده شود. توضیح اینکه گزاره‌های اقتصاد اسلامی به دو گروه عمده مکتبی و علمی تقسیم می‌شوند. گزاره‌های مکتبی اقتصاد اسلامی به مجموعه منظم و روشمندی از گزاره‌ها اطلاق می‌گردد که خطوط کلی و اصلی زندگی سعادت‌مندانه انسان را درباره چگونگی رفتارهای وی در زمینه‌های تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات ترسیم می‌کنند (بیدار، ۱۳۹۷، ص ۳۹) ولی گزاره‌های علمی گزاره‌هایی هستند که به لحاظ محتوا، روابط علی و معلولی موجود بین متغیرهای اقتصادی را توصیف، تبیین و پیش‌بینی کرده و به لحاظ منبع، امکان استناد آن‌ها به منابع اسلامی وجود دارد (همان، ص ۱۳۹).

برخی از گزاره‌های مکتب اقتصاد اسلامی با مراجعه مستقیم به متون دینی و اعمال شیوه متعارف اجتهاد قابل گردآوری است (صدر، ۱۴۱۷، ص ۳۷۱) که در این میان می‌توان به شیوه استنباط پاره‌ای از اصول مکتبی همچون عدالت اقتصادی، فقرزدایی، حرمت ربا و اصل مالکیت شخصی و دولتی و عمومی اشاره کرد.

برخی دیگر از گزاره‌های مکتب اقتصاد اسلامی با بهره‌گیری از روش کشفی قابلیت استخراج دارند. روش کشفی، یکی از نوآوری‌های مهم شهید صدر درباره نحوه اکتشاف و استنباط گزاره‌های مکتبی اقتصاد اسلامی است. ایشان با استفاده از روش یادشده، بخش اعظمی از اصول مکتبی اقتصاد اسلامی را به دست آورده و بدین ترتیب، مکتب اقتصادی اسلام را به جهانیان ارائه کرده است. فرایند روش کشفی بدین صورت است که مجموعه‌ای از احکام فقهی اقتصادی به همراه بینش‌های اسلامی به منظور دستیابی به لایه‌های عمیق‌تر و قواعد بنیادین (گزاره‌های مکتبی) در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. مجموعه احکام و بینش‌ها دارای یک قدر جامع و مدلول التزامی مشترکی هستند که همین قدر جامع، جهت و خط کلی را در زندگی اقتصادی نشان داده و به عنوان گزاره مکتبی در اقتصاد اسلامی به شمار می‌رود. پس نکته مهم در روش کشفی این است که احکام و بینش‌ها که سرمایه‌های اصلی کشف اصول مکتبی محسوب می‌گردند، حتماً به صورت مجموعی در کنار یکدیگر قرار بگیرند؛ و گرنه امکان دستیابی به گزاره‌های مکتبی ممکن نمی‌گردد. شهید صدر در این باره می‌گوید:

هنگامی که احکام را به عنوان جزئی از فرایند کشف مکتب اقتصادی مطالعه و ارائه نماییم، فقط عرضه انفرادی آن‌ها برای کشف مکتب کافی نیست ... وظیفه قطعی ما این است که آن احکام منفرد را کنار هم قرار بدهیم؛ یعنی هریک را به عنوان جزئی از کل و جنبه‌ای از ساختار عام به هم پیوسته مطالعه کنیم تا از این طریق به کشف قاعده عامی برسیم که از خلال آن کل یا مرکب فرامی‌تابد و برای تفسیر و توجیه آن شایستگی دارد. اما اگر آن احکام را به صورت جدا و انفرادی بنگریم، به این کشف دست نمی‌یابیم (همان، ص ۳۷۶).

شیوه دیگری که برای استنباط گزاره‌های مکتبی اقتصاد اسلامی وجود دارد، روش اجتهاد حاکم جامعه اسلامی در موارد منطقه الفراغ است. نظریه منطقه الفراغ که خاستگاه فکری آن به زمان حکومت پیامبر اسلام ﷺ بازمی‌گردد، از عناوینی است که توسط شهید صدر ابداع شده است. گفتنی است که ریشه‌های نظریه مزبور، در آثار علمی فقیهان پیش از

شهید صدر، به‌ویژه در آثار محقق نائینی نیز قابل پیگیری است.^۱ نظریه منطقه الفراغ بدین معناست که حاکم جامعه اسلامی می‌تواند در مسائل اجتماعی با در نظر داشتن نیازها و شرایط خاص زمانی و مکانی، در مواردی که حکم شرعی غیرالزامی دارند، حکم الزامی صادر کند. جهان‌شمولی و جاودانگی دین اسلام و همچنین تحولات و پیشرفت‌هایی که در عرصه زندگی اجتماعی در حوزه رابطه بشر با طبیعت اتفاق می‌افتد، اقتضا می‌کند که دولت اسلامی بر اساس مصالح جامعه به وضع قوانین و مقررات متناسب اقدام نماید (حائری و یوسفی، ۱۳۸۱، ص ۲۲-۴۲). به باور شهید صدر، پیامبر گرامی اسلام ﷺ نیز به‌عنوان حاکم جامعه اسلامی - و نه به‌عنوان جایگاه تبلیغی و پیامبری - برای اداره جامعه اسلامی از احکام منطقه الفراغ که احکامی غیردائمی و متغیرند، استفاده کرده است (صدر، ۱۴۱۷، ص ۳۸۰). با توجه به اینکه چنین اجازه‌ای از سوی شرع مقدس اسلام به حاکم اسلامی اعطا شده است، این بخش از احکام نیز در دایره احکام اسلامی قرار می‌گیرند. شهید صدر با عنایت به اسلامی بودن احکام مزبور، گزاره‌های مکتب اقتصاد اسلامی را به دو بخش ثابت و متغیر تقسیم کرده و در این باره می‌نویسد:

۱. محقق نائینی در کتاب *تنبيه الامة وتنزيه الملة*، مسئله احکام شرعی غیرمنصوص را مطرح کرده و در این باره می‌نویسد: مجموعه وظایف راجعه به نظم و حفظ مملکت و سیاست امور امت، خواه دستورات اولیه متکلفه اصل دستورات عمل‌های راجعه به وظایف نوعیه باشد و یا ثانویه متضمنه مجازات بر مخالفت دستورات اولیه، علی‌کل تقدیر، خارج از دو قسم نخواهد بود؛ چه، بالضرورة یا منصوباتی است که وظیفه عملیه آن بالخصوص معین و حکمش در شریعت مطهره مضبوط است، و یا غیرمنصوصی است که وظیفه عملیه آن به‌واسطه عدم اندراج در تحت ضابط خاص و میزان مخصوص غیرمعین و به نظر و ترجیح ولی‌نوعی موکول است. و واضح است که همچنان که قسم اول، نه به اختلاف اعصار و امصار قابل تغییر و اختلاف و نه جز تعبد به منصوص شرعی الی قیام الساعة، وظیفه و رفتاری در آن متصور تواند بود؛ همین‌طور قسم ثانی هم تابع مصالح و مقتضیات اعصار و امصار و به اختلاف آن قابل اختلاف و تغییر است، و چنانچه با حضور و بسط ید ولی‌منسوب الهی - عز‌اسمه - حتی در سایر اقطار هم به نظر و ترجیحات منصوبین از جانب حضرتش - صلوات الله علیه - موکول است، در عصر غیبت هم به نظر و ترجیحات نواب عام یا کسی که در اقامه وظایف مذکوره عمّن له ولایه الاذن مأذون باشد، موکول خواهد بود (نائینی، ۱۴۲۴، ص ۱۳۳-۱۳۴).

مکتب اقتصادی اسلام دو بخش دارد: بخشی که اسلام، احکام و قوانین آن را به صورت مشخص و قطعی، وضع کرده و تغییر و تبدیلی در آن راه ندارد و بخش دیگر که منطقه الفراغ را تشکیل می‌دهد، وظیفه قانون‌گذاری در آن، بر عهده دولت اسلامی و ولی‌امر گذاشته شده است که او باید با توجه به اهداف عام اقتصادی و در نظر گرفتن نیازهای هر زمان، حکم و قانون وضع کند (همان).

بنابراین، گزاره‌هایی که حاکم جامعه اسلامی با عنوان احکام حکومتی که براساس مصالح اجتماعی مسلمین در حیطه موضوعات اقتصادی وضع می‌کند، چنانچه از وصف کلیت برخوردار بوده و خطوط اصلی زندگی اقتصادی را نشان بدهند، جزء گزاره‌های مکتب اقتصاد اسلامی محسوب می‌گردند. از این رو اجتهاد و مصلحت‌نگری‌های حاکم جامعه اسلامی که براساس شرایط و مقتضیات زمان و مکان انجام می‌شود، یکی دیگر از راه‌های دستیابی به بخش مهمی از محتوای مکتب اقتصاد اسلامی است.

همان‌طور که روشن است، گردآوری گزاره‌های مکتب اقتصاد اسلامی به شیوه تکثرگرایی امکان‌پذیر است. بخش علمی اقتصاد اسلامی نیز از این جریان مستثنا نیست و تکثرگرایی، جامع‌ترین و کارآمدترین روش برای دستیابی به علم جامع اقتصاد اسلامی است؛ بدین معنا که برخی از گزاره‌های علم اقتصاد اسلامی به روش نقلی (استفاده از متون دینی)، برخی به روش فرضیه‌ای - استنتاجی و برخی دیگر به روش تجربی به دست می‌آیند و مجموعه گزاره‌های حاصله، علم اقتصاد اسلامی را تشکیل می‌دهند.

مراجعه به منابع و متون نقلی دین اسلام یکی از راه‌های دستیابی به گزاره‌های علمی در اقتصاد اسلامی است که شامل آیات قرآن کریم، آموزه‌های تحریف‌نشده سایر کتاب‌های آسمانی و سنت و سیره تاریخی معصومین (اعم از اقوال و افعال انبیای الهی و ائمه اطهار علیهم‌السلام) است. مطالعات تاریخی مربوط به زمان حکومت پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، حضرت علی علیه‌السلام و سایر انبیای الهی که حکومت الهی و اسلامی را اجرا کرده‌اند، می‌تواند راهگشای مناسبی برای دستیابی به برخی از گزاره‌های علم اقتصاد اسلامی باشد (یوسفی، ۱۳۸۶، ص ۳۲-۳۸). گفتنی است گزاره‌های علمی

و توصیفی که در منابع نقلی مطرح شده‌اند، عمدتاً مشتمل بر مواردی هستند که امکان دستیابی به آن‌ها از طریق روش تجربی بسیار بعید به نظر می‌رسد. البته این سخن به معنای نفی تجربه‌پذیری محتوای منابع مزبور نیست؛ زیرا می‌توان مفاد آن‌ها را در زندگی فردی و اجتماعی انسان به مرحله اجرا گذاشت و نتایج عملی و تجربی آن‌ها را به صورت ملموس احساس کرد. در این میان، آیات و روایاتی که بیانگر سنت‌های الهی هستند، مهم‌ترین منبع کشف گزاره‌های علمی به‌شمار می‌روند. گفتنی است رعایت اصول و قواعد شیوه اجتهادی در کشف گزاره‌ها و نظریه‌های علمی از متون دینی، جزء ملزومات این روش به‌شمار می‌رود.

روش تجربی یکی دیگر از روش‌های تولید علم اقتصاد اسلامی است. همان‌طور که پاره‌ای از گزاره‌های علمی اقتصاد متعارف به روش تجربی به‌دست آمده‌اند، پاره‌ای از گزاره‌ها و نظریه‌های علمی در اقتصاد اسلامی نیز می‌توانند با مطالعات تجربی حاصل شوند.

روش «فرضیه‌ای-استنتاجی»^۱ موسوم به «H-D» یکی دیگر از روش‌های تولید علم اقتصاد اسلامی است. این روش از دو مرحله فرضیه‌سازی و نتیجه‌گیری برخوردار است. در مرحله اول با توجه به اصول و مبانی مکتبی اسلام، پاره‌ای از مفروضات که متناسب با موضوع مورد تحقیق هستند، بیان می‌شوند و سپس در مرحله بعدی براساس تحلیل‌های عقلی و ذهنی و شواهد تجربی، به استنتاج از مفروضات پرداخته می‌شود. نتایج حاصله، به دلیل اینکه بر اثر اشراب مبانی و اصول مکتبی اسلام به‌دست آمده‌اند، گزاره‌ها و نظریه‌های علم اقتصاد اسلامی را تشکیل می‌دهند. درباره میزان کارایی و شرایط استفاده از روش فرضیه‌ای-استنتاجی در تولید علم اقتصاد اسلامی، نکاتی وجود دارد که عبارت‌اند از (بیدار، ۱۳۹۷، ص ۲۲۱):

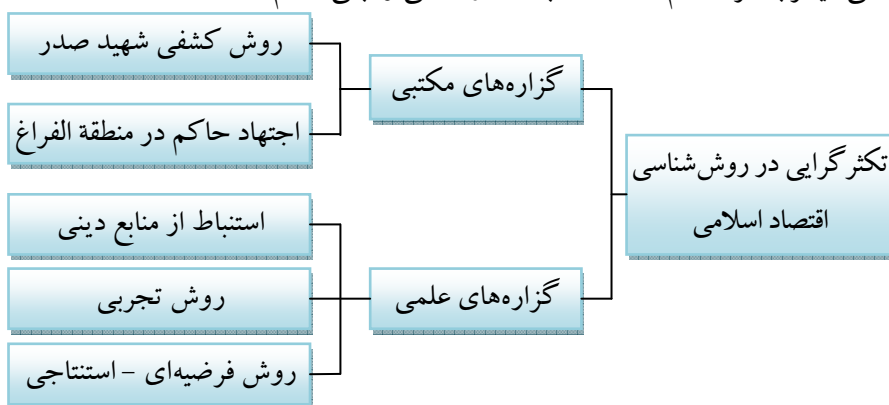
۱. براساس روش فرضیه‌ای-استنتاجی می‌توان گزاره‌ها و نظریه‌های علمی فراوانی را در اقتصاد اسلامی تولید کرد؛ زیرا ماهیت این روش به گونه‌ای است که تمامی موضوعات اقتصادی اعم از اقتصاد خرد، اقتصاد کلان، توسعه اقتصادی، بانک‌داری، مالیه و... با آن قابل دستیابی هستند؛

۲. در تولید گزاره‌های علمی اقتصاد اسلامی به روش فرضیه‌ای - استنتاجی، از هر سه منبع معرفتی وحی، عقل و تجربه استفاده می‌شود. منابع نقلی و وحیانی در مرحله اول برای تعیین مفروضات مورد نیاز به کار گرفته می‌شوند و در مرحله استنتاج، از تحلیل‌های تعقلی و شواهد تجربی بهره برده می‌شود؛

۳. استفاده از روش فرضیه‌ای - استنتاجی در اقتصاد اسلامی، به‌طور مطلق قابل قبول نیست، بلکه مشروط به این است که: اولاً، فروض، واقعی باشند و ثانیاً، استدلال به فروض مزبور از جهت صورت نیز درست باشد؛ یعنی استدلال‌ها در قالب یکی از قیاس‌های معتبر (منتج) منطقی قرار بگیرد. طبیعی است که در صورت تحقق دو شرط پیش گفته، نتایج حاصله از درجه اطمینان قابل قبولی برخوردار خواهد بود و مشکلی با انتساب آن‌ها به اسلام وجود نخواهد داشت؛

۴. استفاده از روش فرضیه‌ای - استنتاجی در اقتصاد اسلامی، کارایی بیشتری نسبت به کاربرد آن در اقتصاد متعارف دارد؛ زیرا در مکتب تربیتی اسلام، انسان آزادی تشریحی کمتری نسبت به آزادی‌های موجود در مکتب اقتصاد متعارف دارد و این امر باعث می‌گردد که رفتارهای فرد مسلمان از قابلیت پیش‌بینی پذیری بیشتری برخوردار باشد.

نتیجه‌ای که از مطالب بالا به دست می‌آید این است که اقتصادپژوهی اسلامی مطلوب جز با تکیه بر تکثرگرایی روش‌شناختی امکان‌پذیر نیست و حصرگرایی روش‌شناختی نتیجه‌ای جز عقب‌ماندگی اقتصاد اسلامی ندارد. بنابراین، اقتصاد اسلامی باید از روش‌ها و ابزار تحلیل اقتصادهای معمول و علوم اجتماعی دیگر به شرط عدم تضاد آن‌ها با ساختار منطقی و مبانی اسلام استفاده کند.



۴. تبیین شباهت‌های روش‌شناختی در نظریه لاکاتوش و روش‌شناسی اقتصاد اسلامی

بررسی مقایسه‌ای بین روش‌شناسی مطلوب در مطالعات و تحقیقات مربوط به اقتصاد اسلامی و روش برنامه پژوهشی لاکاتوش نشان می‌دهد که شباهت‌های زیادی بین این دو روش‌شناسی وجود دارد و وجود همین شباهت‌های ساختاری زمینه به کارگیری روش برنامه پژوهشی را در اقتصادپژوهی اسلامی هموار می‌سازد. در این قسمت به پاره‌ای از شباهت‌ها اشاره می‌شود.

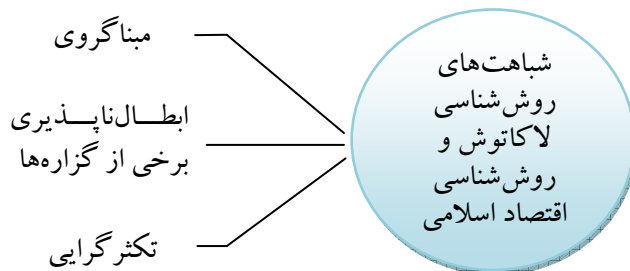
شباهت اول به مبنای گروهی هر دو روش‌شناسی بازمی‌گردد. مبنای گروهی به باور ما و در واقع، ساخت یک نظام معرفتی مبتنی بر گزاره‌های بدیهی است؛ «هسته سخت» در ادبیات روش‌شناسی لاکاتوش، تناظر چشمگیری با نظریه معرفتی یادشده دارد.

توضیح اینکه هم در اقتصاد اسلامی و هم در برنامه پژوهشی، نظریه‌پردازی‌ها نیاز به اصول زیربنایی دارند (اصول موضوعه در منطق) و نظریه‌ها به‌عنوان ربنای اصول مزبور به‌شمار می‌روند. آنچه در علوم انسانی اهمیت خاص دارد، توجه به انسان است و تفاوت علوم انسانی با علوم محض (چون ریاضی و فیزیک) این است که در علوم انسانی نظریه‌های ثابت برای همه مکان‌ها و زمان‌ها وجود ندارد و با توجه به فرهنگ‌ها و نهادهای حاکم بر هر زمان و مکان خاص، نظریه‌های مخصوص به همان مکان یا زمان شکل می‌گیرد. بنابراین، نظریه‌های علوم انسانی از ویژگی جهان‌شمولی برخوردار نیستند. در روش‌شناسی لاکاتوشی توجه زیادی به این مسئله وجود دارد و این روش‌شناسی در ذات خود نظریه‌ها را مبتنی بر هسته مقاومی می‌داند که آن هسته مقاوم بسته به فرهنگ، زمان و مکان خاص می‌تواند متفاوت باشد. اقتصاد اسلامی نیز به واقعیت‌های زمانی و مکانی تمامی جوامع توجه دارد و بدون در نظر گرفتن شرایط موجود، همچنین بدون توجه به اصول موضوعه و زیربنایی، اقدام به سیاست‌گذاری نمی‌کند.

شباهت دوم به ابطال‌ناپذیری برخی گزاره‌ها در هر دو روش‌شناسی مربوط می‌شود. لاکاتوش فرضیاتی را که هسته مقاوم نظریه‌ها را تشکیل می‌دهند به‌لحاظ تجربی ابطال‌ناپذیر می‌داند. این فرضیات شامل بایدها و نبایدها بوده و متافیزیکی تلقی می‌شوند (واعظ و شهنازی، ۱۳۸۵، ص ۹۱-۱۱۱). در اقتصاد اسلامی نیز گزاره‌هایی وجود دارند که قابلیت ابطال ندارند.

چنین گزاره‌هایی همان گزاره‌های مکتبی اقتصاد اسلامی را تشکیل می‌دهند و پاره‌ای از اصول و مبانی ثابت و تغییرناپذیرند؛ برای نمونه، عدالت اقتصادی یک اصل مکتبی در اقتصاد اسلامی است و به هیچ وجه امکان ابطال ندارد. در میان گزاره‌های علم اقتصاد اسلامی نیز می‌توان گزاره‌هایی را یافت که بر اصول مکتبی ثابت و از پیش تعیین شده اتکا داشته باشند. بنابراین، به دلیل اینکه قرآن و سنت، اصلی‌ترین منبع معرفتی اقتصاد اسلامی به‌شمار رفته^{vi} و درعین حال از ویژگی ابطال‌ناپذیری برخوردارند، می‌توان اقتصاد اسلامی را دارای هسته مقاومی دانست که در مقابل ابطال نظریه‌ها مقاومت کرده و همواره محفوظ می‌ماند (مانند عدالت اقتصادی) و از این جهت شباهت بسیار زیادی با روش‌شناسی برنامه پژوهشی لاکاتوشی دارد.

شباهت سوم روش‌شناسی اقتصاد اسلامی با روش لاکاتوشی را می‌توان در تکثرگرایی دانست. همان‌طور که در مباحث قبلی بیان شد، تکثرگرایی مناسب‌ترین و کارآمدترین روش برای مطالعات و تحقیقات اقتصاد اسلامی است. از سوی دیگر، تکثرگرایی در برنامه پژوهشی لاکاتوش هم قابل ردیابی است؛ زیرا روش‌شناسی برنامه پژوهشی به مقایسه برنامه‌های پژوهشی رقیب می‌پردازد و با توجه به این نکته می‌توان گفت که لاکاتوش معتقد به کثرت‌گرایی در برنامه پژوهشی است. وی تاریخ علم را تاریخ برنامه‌های پژوهشی رقیب می‌داند و حذف یک برنامه پژوهشی توسط برنامه رقیب را امری موفقیت‌آمیز بیان کرده و در بیان چرایی و چگونگی حذف یک برنامه پژوهشی می‌گوید: «حذف یک برنامه پژوهشی، به‌وسیله برنامه پژوهشی رقیب است که موفقیت‌های آن را تبیین نموده و به‌خاطر الهام‌بخشی بالاتر، جانشین آن می‌شود. منظور از توان الهام‌بخش، توانایی در پیش‌بینی تنوریک پدیده‌های بدیع است».



با توجه به اینکه اقتصاد اسلامی و برنامه پژوهشی لاکاتوش از شباهت‌های ساختاری مربوط به مبنای‌گرایی، برخورداری از هسته مقاوم (ابطال‌ناپذیری گزاره‌های مرکزی) و تکثر‌گرایی برخوردار هستند، این دو روش‌شناسی می‌توانند در جهت تقویت متقابل از یکدیگر کمک بگیرند.

نتیجه

روش‌شناسی، موتور محرکه پیشرفت و توسعه علوم در حوزه‌های مختلف، به‌ویژه علوم انسانی است. در دهه‌های اخیر توجه بسیار جدی به مباحث روش‌شناختی در علوم انسانی، از جمله دانش اقتصاد، آن را به رشته مستقل علمی در محافل دانشگاهی و زمینه مطالعاتی مستقل در مراکز پژوهشی بدل کرده است. اهمیت مباحث روش‌شناختی از یک‌سو و نیازمندی دانش اقتصاد اسلامی به روش‌شناسی یکپارچه و کل‌نگرانه و درعین حال انعطاف‌پذیر از جهت سازگاری با ساختار منطقی و مبانی اسلامی و از جهت تکثر‌گرایی روشی مورد نیاز مطالعات اسلامی از سوی دیگر، اندیشمندان و نظریه‌پردازان اقتصاد اسلامی را به تکاپو برای یافتن یا طراحی یک روش‌شناسی مناسب با ویژگی‌های یادشده واداشته که تاکنون توفیق چندانی در آن به‌دست نیامده است.

بررسی‌های این تحقیق نشان داد که در میان روش‌شناسی‌های موجود، یکی از نظریه‌های روش‌شناختی که توجه بسیاری از محققان، به‌ویژه پژوهشگران اقتصاد اسلامی را به خود جلب کرده، روش‌شناسی یک دانشمند فلسفه علم مجارستانی به نام ایمره لاکاتوش است که به نام «روش‌شناسی علمی برنامه پژوهشی (MSRP)» شناخته می‌شود. این روش‌شناسی، ویژگی‌ها و انعطاف‌پذیری‌های لازم به‌منظور استفاده از آن در روش‌شناسی اقتصاد اسلامی را دارد. تأکید بر مبنای‌گرایی و محافظت از اصول زیربنایی به‌عنوان هسته مقاوم، فرض ابطال‌ناپذیری گزاره‌های مرکزی و باید و نبایدهای متافیزیکی، تکثر‌گرایی در روش‌شناسی، به‌ویژه در لایه‌های کمر بند محافظ و راهبردهای ایجابی، از شباهت‌هایی است که امکان استفاده از روش‌شناسی لاکاتوشی را در اقتصاد اسلامی فراهم می‌سازد. بدیهی است که شرط موفقیت در استفاده از روش‌شناسی

لاکاتوش در توسعه نظریه‌های معتبر و کارآمد اقتصاد اسلامی، شناسایی دقیق مفروضات مرکزی به‌عنوان هسته مقاوم، تعیین دقیق فرضیه‌های کمربند محافظ و راهبردهای ایجابی است.

پی‌نوشت‌ها

- i. معمول است که دانشمندان و نویسندگان در کتاب‌ها و پیش از وارد شدن در یک دانش، هشت مطلب را درباره آن علم به‌عنوان مقدمه بیان می‌کردند و معتقد بودند که دانش آموز با دانستن این مقدمات، بهتر و راحت‌تر می‌تواند آن علم را فراگیرد. این هشت مطلب را «رئوس ثمانیه» می‌گویند که عبارت‌اند از:
 ۱. تعریف علم؛ ۲. موضوع علم؛ ۳. فایده علم؛ ۴. مؤلف علم؛ ۵. ابواب و مباحث علم؛ ۶. جایگاه علم در میان دیگر علوم؛ ۷. غرض و مقصود علم؛ ۸. روش‌های تعلیم علم.
- ii. در زبان انگلیسی برای بیان معنای علوم تجربی از واژه «Scince» استفاده می‌گردد. پوزیتیویست‌ها نیز از همین واژه برای بیان منظور خود استفاده می‌کردند. با کمال تأسف، مترجمان مسلمان به جای آنکه اصطلاح «Scince» را به علم تجربی و طبیعی ترجمه کنند، به مطلق «علم» و بدون هیچ قیدی ترجمه کردند و این خطای راهبردی، ضربه مهلکی بر اعتبار معارف ارزشمند غیرتجربی وارد کرد.
- iii. روش علمی مناسب و کارا به روشی گفته می‌شود که پژوهشگر را در کمترین زمان ممکن و با صرف حداقل هزینه‌ها به هدف مطلوب برساند و نتایج عملی ارزشمندتری نسبت به روش‌های دیگر داشته باشد.
- iv. حصرگرایی درونی این است که پژوهشگر از میان روش‌های مختلفی که برای تحقیق در درون علمی خاص وجود دارند، تنها یکی از آن‌ها را انتخاب کرده و به سایر روش‌های تحقیق همان علم بی‌توجهی می‌کند؛ برای نمونه، با وجود اینکه برای تحقیق در علم کلام می‌توان هم از شیوه تعقلی و هم از روش نقلی استفاده کرد، پژوهشگر تنها یکی از روش‌های یادشده را انتخاب می‌کند و به روش دیگر اعتنایی ندارد. یا اینکه علم اقتصاد را می‌توان هم با شیوه توصیفی و هم به شکل ریاضیاتی بیان کرد. تأکید بر یکی از شیوه‌های نامبرده به‌معنای حصرگرایی روش‌شناختی درونی است.
- v. حصرگرایی بیرونی بدین معناست که پژوهشگر پس از وقوف به اینکه مسئله مورد تحقیق وی به دانش خاصی تعلق دارد، خود را به چهارچوب نظری، قواعد، مبانی، نظریه‌ها و ابزارهای همین دانش خاص محدود کرده و نسبت به رهیافت‌ها و ره‌آورد‌های علوم دیگر موضع انکار و نفی را در پیش می‌گیرد (قراملکی، ۱۳۸۳، ص ۱۰۳-۱۱۸).
- vi. انس زرقا، منابع اقتصاد اسلامی را متشکل از چهار جزء می‌داند که عبارت‌اند از: ارزش‌های به‌دست آمده از قرآن، سنت و منابع مرتبط با آن و قضایای اثباتی که از طریق قرآن و سنت وارد علم اقتصاد اسلامی می‌شود و روابطی که مسلمانان و دیگران ممکن است از طریق مشاهدات، آن‌ها را تجزیه و تحلیل و کشف کنند. از نظر زرقا، پایه اقتصاد اسلامی بر قرآن، سنت، فقه و سایر علوم اسلامی که مبتنی بر قرآن و سنت است، استوار می‌گردد.

منابع

۱. بلاگک، مارک، ۱۳۸۰، *روش‌شناسی علم اقتصاد: اقتصاددانان چگونه تبیین می‌کنند*، ترجمه غلامرضا آزاد (ارمکی)، تهران، نشر نی.
۲. بیدار، محمد، ۱۳۹۷، «ماهیت اقتصاد اسلامی (مکتب، نظام و علم)»، رساله دکتری اقتصاد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
۳. توکلی، محمدجواد، ۱۳۹۸، *مبانی فلسفی و روش‌شناسی اقتصاد*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۴. چالمرز، آلن اف، ۱۳۷۹، *چیستی علم: درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی*، ترجمه سعید زیباکلام، تهران، سمت.
۵. حائری، سید کاظم و احمدعلی یوسفی، ۱۳۸۱، «اقتصاد اسلامی و روش کشف آن از دیدگاه شهید صدر»، *اقتصاد اسلامی*، سال اول، شماره ۱، ص ۴۲-۲۲.
۶. دادگر، یدالله، ۱۳۸۴، *درآمدی بر روش‌شناسی علم اقتصاد*، تهران، نشر نی.
۷. شیلا، سی. داو، ۱۳۸۹، *کنکاشی در روش‌شناسی اقتصاد*، ترجمه محمود متوسلی و علی رستمیان، تهران، جهاد دانشگاهی.
۸. صدر، سید محمدباقر، ۱۴۱۷ق، *اقتصادنا*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی (شعبه خراسان).
۹. صدیقی، شمیم‌احمد، ۱۳۸۲، «یک روش‌شناسی پیشنهادی برای اقتصاد سیاسی اسلام»، ترجمه محمد لشکری، *نامه مفید*، شماره ۳۵، ص ۱۵۸-۱۲۹.
۱۰. عبداللهی، عبدالله؛ جوان، جعفر، ۱۳۸۹، *درآمدی بر فلسفه علم و پژوهش در علوم انسانی (کتاب دوم: روش و روش‌شناسی)*، تهران، نشر چاپار.
۱۱. غنی‌نژاد، موسی، ۱۳۷۶، *مقدمه‌ای بر معرفت‌شناسی علم اقتصاد*، تهران، مؤسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه.
۱۲. فرامرز قراملکی، احد، ۱۳۸۳، «موانع روش‌شناختی توسعه علوم انسانی»، *قیاسات*، سال نهم، شماره ۳۴، ص ۱۱۸-۱۱۳.
۱۳. —، ۱۳۹۱، *روش‌شناسی مطالعات دینی*، چاپ ششم، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۱۴. گلاس، ج.س. و جانسون و.، ۱۳۷۳، *اقتصاد: پیشرفت، رکود یا انحطاط*، *درآمدی بر روش‌شناسی علم*

- اقتصاد، ترجمه محسن رنانی، اصفهان، فلاحت ایران.
۱۵. گنجعلی، اسدالله و احمد پارسازاده، ۱۳۹۰، «مدل لاکاتوش - کوهن، به‌منابه مدلی روش‌شناختی جهت نظریه‌پردازی در مدیریت اسلامی»، *اندیشه مدیریت اسلامی*، شماره پیاپی ۱۰، ص ۱۹۹-۲۲۰.
۱۶. ملکیان، محمدباقر، ۱۳۹۷، «اثبات گرایی، ابطال‌گرایی و تأیید‌گرایی در بوته نقد»، *دوفصلنامه معارف منطقی*، شماره اول (پیاپی ۸)، ص ۷۳-۹۹.
۱۷. نائینی، محمدحسین، ۱۴۲۴ق، *تنبيه‌الامة و تنزیه‌الملة*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۱۸. واعظ، محمد و روح‌الله شهنازی، ۱۳۸۵، «روش‌شناسی لاکاتوشی راهی برای حل معضل روش‌شناختی تحقیقات علوم انسانی»، *راهبردهایی برای ارتقاء علوم انسانی در کشور*، تهران، کنکره ملی علوم انسانی، ص ۹۱-۱۱۱.
۱۹. یوسفی، احمدعلی، ۱۳۸۶، *نظام اقتصاد علوی (مبانی، اهداف و اصول راهبردی)*، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
20. Caldwell, Bruce J., 1994, *Beyond Positivism (Economic Methodology in the Twentieth Century)*, London and New York, Routledge: Taylor & Francis Group.
21. Kuhn, Thomas S., 1969, "Postscript-1969", in: *The Structure of Scientific Revolutions*, Chicago, University of Chicago Press.